

نگاه اجمالی به مشکلات پژوهش علوم اجتماعی در فلسطین

ساخت تدریس در هفته، فقدان تسهیلات پژوهشی، کوچک یا محدود بودن فضای لازم، فقدان یا محدود بودن تعداد کارکنان دفتری و ناکافی بودن تسهیلات رایانه‌ای، کافی نبودن بودجه‌ی کتابخانه برای مشترک شدن نشریه‌های بین‌المللی و خرید کتاب‌های تازه‌ای که در زمینه‌ی علوم اجتماعی در کشورهای گوناگون جهان منتشر می‌شوند، و محدودیت‌های پستی و مسافرتی که مانع از مبادله‌ی نشریات، اندیشه‌ها و تجربیات با دانشمندان علوم اجتماعی عرب می‌شود. با وجود چنین موانعی، همه‌ی دانشگاه‌های فلسطینی ارتقای رتبه‌ی اعضای هیأت علمی خود را به انتشار اثر پژوهشی آنان موکول و مشروط کرده‌اند.

بازدارنده‌تر از کاستی‌های نهادین که به آن‌ها اشاره شد، نبود سنت و فضای پرسمان انتقادی در محیط دانشگاهی فلسطین است. مشکلات و کمبود امکانات صرفاً به دانشگاه‌های فلسطین محدود نیست و تقریباً مراکز دانشگاهی در همه‌ی کشورهای جهان سوم، از این نوع کاستی‌ها رنج می‌برند. اما چنین مسائلی مانع از آن نشده‌اند که در کشورهای همچون مکزیک، مغرب، هند و غیره، فعالیت‌های درجه‌ی اول پژوهشی صورت نگیرند. آنچه فلسطین از نبود آن رنج می‌برد، فضای مناسبی است که زمینه را برای مبادله‌ی افکار و اندیشه‌ها فراهم آورد تا در پرتوی آن، جامعه‌شناسان بتوانند با هم کاران

تاریخ، تحصیلات خود را در دانشگاه‌های اردن، اروپا، آمریکا و کانادا پی می‌گیرند. هنوز در دانشگاه‌های فلسطین برای این رشته‌ها دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا دایر نشده است.

به تازگی، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان فلسطینی جرگه‌ای به نام «جامعه‌ی فلسطینی علم الاجتماع» یا «انجمن جامعه‌شناسی فلسطین»^۱ تشکیل داده‌اند که جامعه‌شناسان، موزخان و مردم‌شناسان نابلس، بیت‌الحم و بئریت در آن عضویت دارند، اما هنوز هم کاران آن‌ها از بیت‌المقدس و غزه به آن نپیوسته‌اند. یکی از عوامل نارضایتی دانشمندان علوم اجتماعی فلسطین این است که نظام ترفیع و اعطای مسؤلیت در دانشگاه‌های فلسطین به گونه‌ای است که انگیزه‌ای در جامعه‌شناسان برای فعالیت‌های جدی پژوهشی ایجاد نمی‌کند.

در میان مسائل و مشکلاتی که استادان علوم اجتماعی و رشته‌های وابسته عنوان می‌کنند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: بالا بودن میزان ساعات کار (به‌طور متوسط ۱۲

تعداد جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان فعال در فلسطین، امروزه از ۱۰ نفر تجاوز نمی‌کند و تعداد موزخان اجتماعی در این سرزمین، از این رقم نیز به مراتب کم‌تر است. بیش‌تر جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و موزخان اجتماعی در سه دانشگاه اصلی فلسطین، یعنی نجاح، بئریت و بیت‌الحم، به کار اشتغال دارند و تعداد اندکی نیز در مراکز پژوهشی مستقل فعالیت می‌کنند (انجمن مطالعات عرب، جامعه‌ی دانشگاهی فلسطین، جرگه‌ی اندیشه عرب و غیره). افزون بر این، چندین استاد علوم اجتماعی، مردم‌شناسی و مورخ فلسطینی نیز در دانشگاه‌های فلسطین اشغالی، از جمله مرکز ترومن^۲ در «دانشگاه عبری»، «دانشگاه گیوات هاویوا»، و «مرکز بیت‌برن برای مطالعات عرب»، به کار اشتغال دارند.

دانشگاه‌های بئریت و نجاح تنها دانشگاه‌های فلسطین هستند که در مقطع کارشناسی، به فارغ‌التحصیلان خود مدرک لیسانس جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی می‌دهند. در مجموع، دانشگاه‌های فلسطین، هر سال حدود ۵۰ نفر در رشته‌های فوق‌فارغ‌التحصیل دارند. بیش‌تر فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها، به عنوان آموزگار خدمت می‌کنند یا در نهادها و سازمان‌های غیردولتی به کار گمارده می‌شوند. تعداد اندکی از فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم اجتماعی، مردم‌شناسی و

نویسنده: سلیم تاهاری
مترجم: محمد ظاهری

رویدادهای غیر منتظره همراه شود.^۱ گرچه انتقادی این چنین از جامعه‌شناسی اروپا، مقصدی‌ای لازم برای ارزیابی فرهنگ‌های بومی عرب محسوب می‌شود، اما چنین برخورد و نگرشی ممکن است به نادیده گرفتن درو نمایی علوم اجتماعی بینجامد. در سطح روش‌شناسی، چنین رویکردی به جامعه‌شناسی فلسطین ممکن است، به پدید آمدن الگوها و پارادایم‌های فرهنگ‌محور منجر و مانع از آن شود که این فرهنگ‌ها، مورد

جامعه‌ی فلسطین، موضوع تحقیق، تجزیه و تحلیل، و نگارش مقالات نبوده است. اما در همین حال در مقایسه با دیگر جوامع عرب، نحوه‌ی نگارش به ملت فلسطین، از لحاظ نظری در فقیرترین سطح ممکن قرار دارد. در آثار و نوشته‌های پژوهشگران فلسطینی، این فقر نظری به گونه‌ای تلویحی توجیه شده است و علت آن، ماهیت کاملاً منحصر به فردی تجریبات تاریخی بی‌همانند جامعه‌ی فلسطین در میان جوامع عرب اعلام می‌شود. در این زمینه، به لایه‌نشانی‌های اجتماعی، توسعه، مسائل قومی و اموری از این قبیل اشاره می‌کنند که الزامات بستن چندی به بحث کوتاهی ندادند.

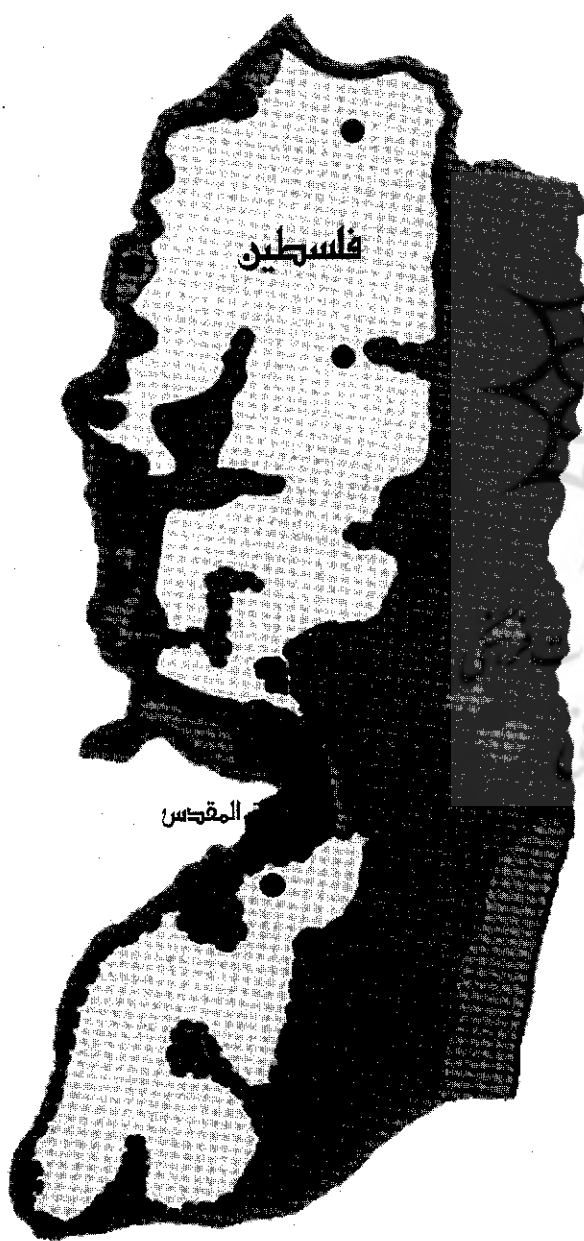
خلیل نخله، از جمله نویسندگان فلسطینی است که در تشریح علت ضعف مطالعات نظری در میان پژوهشگران جامعه‌شناسان فلسطینی می‌نویسد: «جامعه‌شناسی فلسطینی‌ها، بر خلاف جوامع غربی که جامعه‌شناسی عادی پدید می‌آورند، نوعی جامعه‌شناسی بومی یا فطری است که باید وابسته، متعهد و عمل‌محور باشد. جامعه‌شناسی فلسطین، در واقع جامعه‌شناسی اقلیت‌هاست. جامعه‌شناسی فلسطینی باید واکنشگر باشد. جامعه‌شناسی فلسطینی همواره باید تلاش خود را برای ارزیابی و رمز و رازدایی از آن دسته چارچوب‌های مفهومی صرف کند که جامعه‌شناسی غرب در برخورد با گروه‌ها و جوامعی که با الگوهای غالب فکری سازگاری ندارند، به ویژه جوامع جهان سوم، به کار می‌برد. جامعه‌شناسی فلسطین، صرفاً جامعه‌شناسی سیطره‌نیست، بلکه در برگیرنده‌ی تجزیه و تحلیل روش‌ها و نظریه‌هایی است که از میان بردن چنین سلطه و سیطره‌ای را دنبال می‌کنند. از این رو، جامعه‌شناسی فلسطینی‌ها در این مقطع تاریخی، باید جامعه‌شناسی دگرگونی‌بنیادین اجتماعی-فرهنگی باشد؛ هرچند این دگرگونی ممکن است با خشونت و

خردیخت و مجادله‌ی انتقادی به عمل آورند. می‌توان این مشکل را ناشی از عوامل زیر دانست:

- نبود چهره‌ای که بتواند در آن پژوهش‌های در دست اجرا ارائه‌داد. جامعه‌شناسان از این که پیش‌تر بیس طرح مطالعاتی خود را با هم‌کاران خود در میان بگذارند، آگاه دارند.
- هیچ گونه هماهنگی ادواری و تخصصی که صرفاً به مشارکت و حضور دانشمندان و پژوهشگران عرصه‌ی علوم اجتماعی محدود باشد، برقرار نمی‌شود.
- مخاطبان منتقدی که بتوانند به داغ تر شوند مباحث و گفت‌وگوها کمک کنند، وجود ندارند.

افزون بر این، در طیفی گسترده‌تر، یک مشکل زبان‌شناختی مفهومی نیز وجود دارد. بحث مربوط به مردمی کردن علوم اجتماعی در جامعه‌ی فلسطین هنوز تحقق نیافته است. برای مثال، در بین ژر جوامع اروپایی، نشریات مربوط به هم‌گانی از جمله روزنامه‌ها، در تحلیل مسائل اجتماعی، از واژه‌ها و اصطلاحات خاص علوم اجتماعی همچون تحرک، فرهنگ‌سازی و مناقشه‌ی قومی استفاده می‌کنند. در حالی که در بیش‌تر کشورهای عرب، بحث‌های مربوط به مسائل حاد، از جمله ازدواج، طلاق، سرکشی جوانان و مسائلی از این گونه در روزنامه‌های مردم‌پسند، غالباً با لحن و گفتمان اخلاقی و تربیتی و نصیحت‌گویی، ارائه می‌شوند. به سبب این امر، دامنه‌ی بحث محدود می‌شود و بین چارچوب ارجاعی علوم اجتماعی (که آکادمیک، نخبه‌گرا، روشنفکر محور و بحث‌انگیز است)، و چارچوب ارجاعی عامیانه (که اخلاقی و غالباً مذهبی، ساده‌انگار و تفاهم‌گر است)، شکاف به وجود می‌آید.

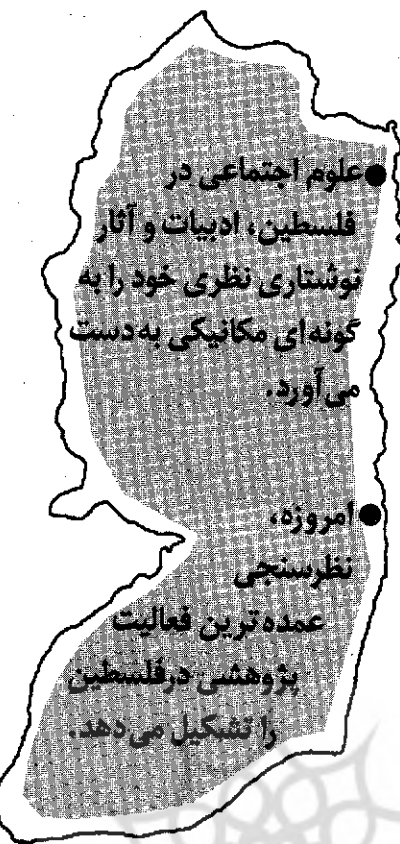
مشکل منحصر به فردی فلسطین بدون هیچ گونه تردیدی می‌تواند ادعا کرد، تا کنون هیچ یک از جوامع عرب به اندازه‌ی



بررسی تطبیقی قرار گیرند یا در چارچوب نظری گسترده تری بررسی شوند. منتقدانی همچون خلیل نخله، در مطلوب ترین شرایط ممکن، ما را وادار می سازند تا در بررسی جامعه‌ی فلسطین از ابزارها و الگوهای تاریخی که توجه خاصی به ویژگی‌های ساختاری جامعه‌ی عرب نشان می دهند، استفاده کنیم.

یک دهه پس از ارایه‌ی چنین تحلیلی از نقش جامعه‌شناسی فلسطین از سوی خلیل نخله، یعنی در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، آغاز قیام تازه‌ی مردم فلسطین که به انتفاضه شهرت یافته است، فرصتی استثنایی برای دانشمندان فلسطینی علوم اجتماعی فراهم آورد تا این قیام و شورش مردمی را، در بستر جنبش‌های تاریخی انقلابی مورد بررسی قرار دهند؛ گرچه تا کنون مطالعات علمی چندانی در این باره به عمل نیامورده‌اند. در این میان، سمیع فارسون و ژان لندیس، در تلاش برای ارزیابی انتفاضه در بعد جهانی آن، چنین نوشته‌اند: «شناخت ماهیت کامل انتفاضه امری بسیار ضروری است. چون انتفاضه را نمی‌توان صرفاً یک جنبش اعتراض‌آمیز اجتماعی به شمار آورد که تلاش می‌کند، در درون ساختار کنونی ملت/کشور تغییر به وجود آورد. انتفاضه را در عین حال نمی‌توان یک انقلاب به معنی کلاسیک آن معرفی کرد که هدف آن، برکناری یک طبقه یا حکومت بومی یا رژیم باستانی باشد؛ آن گونه که انقلاب فرانسه یا انقلاب بلشویکی به آن مبادرت کردند. در ضمن، انتفاضه را نمی‌توان جنبشی استقلال طلب، همچون جنبش استقلال آمریکا تلقی کرد؛ چون فلسطینی‌ها و اشغالگران از یک ملت واحد سرچشمه نمی‌گیرند.» [فارسون و لندیس، ۱۹۹۰].

این دو نویسنده به درستی بر این نکته پافشاری می‌کنند که انتفاضه را باید در زمره‌ی جنبش‌های رهایی‌بخش ملی که در جهان سوم جریان دارند، به شمار آورد. البته انتفاضه با این گونه جنبش‌ها نیز تفاوتی دارد و به اعتقاد این دو نویسنده، انتفاضه از ماهیت تاریخی



متفاوت و منحصر به فردی برخوردار است. ویژگی منحصر به فرد انتفاضه، نتیجه‌ی تحول تاریخی-ساختاری-دیالکتیکی سرکوب/مقاومت است که تحت تأثیر واقعیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، و تلاش‌های مردم فلسطین برای دستیابی به خود مختاری و اداره‌ی زندگی روزمره‌ی خود در برابر فلسطین اشغالی که سعی دارد، سرزمین‌های اشغالی را به سرزمین‌های یهودی تبدیل و کنترل خود را بر آن‌ها تشدید کند، شکل گرفته است [فارسون و لندیس، ۱۹۹۰].

از آن‌جا که هر جنبشی ویژگی‌های تاریخی خاص خود را دارد، در نتیجه یادآور شدن این نکته به گونه‌ای انتزاعی، مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه باید نشان داد که این ویژگی، چگونه خود را به درستی متبلور می‌سازد.

از لحاظ نظری، مساله‌ی ویژگی خاص و منحصر به فرد تاریخی جوامع باید در چارچوب تطبیقی گسترده تری قرار گیرد. در

زمینه‌ی ترکیب مقوله‌های منحصر به فردی و عمومیت داشتن، نصار حیکوک، در کتابی که در ۱۹۹۰ نگاشته، موفقیت‌هایی به دست آورده است. اما در مجموع، نوشته‌هایی که به بررسی انتفاضه پرداخته‌اند، فاقد این ویژگی هستند. از سوی دیگر، ۲۰۰ شماره‌ای که از نشریه‌ی «شئون فلسطینه»، ارگان پژوهشی مرکز پژوهش فلسطین به چاپ رسیده‌اند، آکنده از مقالات و مطالبی هستند که بر استثنایی و منحصر به فرد بودن فلسطین تأکید دارند و اجازه نمی‌دهند، فلسطین چه از لحاظ جغرافیایی و چه از نظر مفهومی، در خارج از منطقه مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. در میان تعداد اندک نشریات جامعه‌شناسی مربوط به فلسطین که در داخل و خارج این سرزمین منتشر می‌شوند، نشریه‌ی «الفکر الدمکراتیه» (که توسط جامعه‌شناسی به نام جامی هلال تا سال ۱۹۹۱ در قبرس منتشر می‌شود)، تنها نشریه‌ای بود که می‌کوشید، مسائل و وضعیت فلسطین را در چارچوب و

بافت اجتماعی-اقتصادی حاکم بر کشورهای جهان سوم و منطقه‌ی مدیترانه ارزیابی کند. علوم اجتماعی در فلسطین، ادبیات و آثار نوشتاری نظری خود را به گونه‌ای مکانیکی به دست می‌آورد. تا چندی پیش، بیش تر مطالعات به عمل آمده در منطقه، بر الگوی وابستگی و الگوهای منشعب از آن تأکید داشتند که پیوستن اقتصاد محلی به اقتصاد جهانی و توسعه‌ی مغشوش آن‌را از طریق سازوکارهای بازار امکانپذیر می‌دانستند. این الگو به هیچ وجه با ویژگی‌های حاکم بر جامعه‌ی فلسطین انطباق ندارد. الگوی مناسب‌تر برای تشریح وضعیت فلسطین، الگوها و تجربه‌هایی هستند که آفریقای جنوبی، الجزایر و رودزیا (زیمبابوه) شاهد آن بوده‌اند.

فرضیه‌ی استثنایی بودن فلسطین، تا حدودی در دوری گزیدن جامعه‌شناسی محلی، از گرایش‌های اخیر نظری در واکنش به کوتاه بینی دانشمندان علوم اجتماعی فلسطین اشغالی، و این فرضیه که سهویسم

یک پدیده‌ی منحصر به فرد تاریخی در ارتباط با ملت مغلوب بومی است، ریشه دارد. مراداتی بین برخی جامعه‌شناسان فلسطینی اشغالی و فلسطینی صورت گرفته است، اما روابط مذکور تأثیر چندانی بر این جهت‌گیری نداشته‌اند. در طیف مقابل، یکی از جغرافیدانان برجسته‌ی فلسطینی اشغالی، تاریخ اجتماعی شهر جفّه، یعنی بزرگ‌ترین شهر فلسطینی در ابتدای قرن بیستم، با کم‌ترین اشاره‌ی ممکن به جمعیت عرب این شهر، نگاشته است.

در میان فلسطینی‌ها، فرضیه‌ی استثنایی بودن فلسطین سبب شده است تا دانشوران فلسطینی، تنها در زمینه‌ی مسائل معاصر فلسطین تخصص پیدا کنند و جوامع غرب و حوزه‌ی مدیترانه را نادیده بگیرند. تقریباً، همه‌ی رسانه‌های دکترا که جامعه‌شناسان فلسطینی در خلال دهه‌ی گذشته از آن‌ها دفاع کرده‌اند، به مسائل فلسطین اختصاص داشته‌اند. بیش‌تر رساله‌های دکترا به زمینه‌ها و مسائلی همچون ایدئولوژی سیاسی، تاریخ اقتصاد، اقتصاد سیاسی، جمعیت‌نگاری، قوم‌نگاری و شکل‌گیری هویت محدود بوده‌اند. در مدت مورد بحث، هیچ تحقیق جامعی درباره‌ی فرهنگ عامیانه، بومیایی خانوادگی، جرم‌شناسی، و رسانه‌ها صورت نگرفته است. یکی از علل شکاف‌های عمده در توسعه‌ی نهادین دانشگاه‌های فلسطین، خودداری آن‌ها از پرداخت جدی به مطالعه‌ی جوامع غرب و جامعه‌ی فلسطین اشغالی است. در زمینه‌ی بررسی مسائل فرهنگی فلسطین، تنها یک جامعه‌شناس فلسطینی به نام فیصل درّاج، تلاشی سازمان‌یافته برای ایجاد ارتباط بین فرهنگ و ادبیات فلسطین و چنین مقوله‌هایی در جهان عرب و جامعه‌ی بین‌المللی به عمل آمده است.

در یکی از زمینه‌ها که جامعه‌ی فلسطینی به معنی واقعی کلمه وضعیت منحصر به فردی دارد، یعنی رشد جامعه‌ی مدنی در غیاب تشکیلات و نظام حکومتی (هم استعماری و

هم بومی)، باز هم مطالعات اندکی صورت گرفته است. در زمینه‌ی جامعه‌ی مدنی نیز، همانند مسائل فرهنگی، باید تلاش‌های تازه‌ای در جهت فرایند هم‌گرایی (یا فروپاشی) شبکه‌های پرتکاپوی اجتماعی که با شکل‌گیری تشکیلات دولتی در مناطق تحت کنترل دولت خودگردان فلسطین در جریان هستند، صورت گیرد.

مشکلات روش شناختی و دسترسی به داده‌ها

آموزش فلسطینی‌ها در رشته‌ی علوم اجتماعی، به دوره‌ی کارشناسی محدود می‌شود. اما در همین دوره نیز، دانشگاه‌ها در زمینه‌ی شیوه‌های تحقیق، کاربردی ساختن مفاهیم، و طرح‌های مورد نیاز آماری، آموزش‌های لازم میدانی را در اختیار دانش‌پژوهان قرار نمی‌دهند. افزون بر این در پژوهش‌های اجتماعی، بیش‌تر به علت مشکلات مالی و در مواردی نیز در دسترس نبودن کارشناسان آموزش دیده، از رایانه‌ها و امکانات فراهم آمده توسط این وسیله‌ی ارتباطی، چندان استفاده نمی‌شود.

یکی از عمده‌ترین مشکلات روش‌شناسی در فلسطین، فقدان چارچوب جمعیتی برای استفاده به عنوان نمونه‌ی آماری در نظرسنجی‌هاست. مقامات فلسطینی اشغالی، اطلاعات و آمارهای جمعیتی را در اختیار دارند و به بهانه‌های امنیتی، از قرار دادن این اطلاعات و داده‌ها در اختیار صاحب‌نظران فلسطینی خودداری می‌کنند. فقدان دیگر منابع مربوط به جمعیت، همچون دفترچه‌های راهنمای تلفن و اطلاعاتی که شهرداری‌ها گردآوری می‌کنند، سبب شده است، پژوهشگران فلسطینی به شیوه‌های ابتدایی و ابتکاری، از جمله تصویرها و نقشه‌های هوایی، نقشه‌های مساحی، و مراجعه به خانه‌ها و ارائه‌ی پرسش‌نامه به خانوارها، مشکلات مربوط به کمبود و فقدان اطلاعات آماری را برطرف کنند.

در فلسطین، کتابخانه‌ی ملی وجود ندارد و کتابخانه‌ی دانشگاه‌ها که مجموعه‌ی قابل ملاحظه‌ای از کتاب‌ها و نوشته‌های مرتبط با جامعه‌شناسی را در اختیار دارند (بزرزیت، النحاح و بیت‌الحم)، آثار و نوشته‌های مربوط به فلسطین را که کارشناسان و پژوهشگران محلی نوشته‌اند، به متقاضیان عاریه نمی‌دهند. به تازگی استفاده از رایانه در کتابخانه‌ی دانشگاه بزرزیت آغاز شده است، اما هنوز بین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی فلسطین، ارتباط الکترونیک به طور کامل دایر نشده است.

شهرداری‌ها و شوراهای محلی نیز صاحب‌نظران و پژوهشگران اجازه نمی‌دهند، از سوابقی که در این گونه مراکز نگهداری می‌شوند، برای فعالیت‌های پژوهشی خود استفاده کنند. درهای ادارات و سازمان‌های رسمی، همچون ادارات کشاورزی، سازمان تأمین اجتماعی، و اداره‌ی ثبت احوال روی پژوهشگران کاملاً بسته است. اداره‌ی آموزش و پرورش، بیش از سازمان‌ها و نهادی دیگر، با تحقیقات و پژوهش‌های علمی سر‌ناسازگاری دارد و به مقامات این اداره رسماً دستور داده شده است، از همکاری با پژوهشگران خودداری کنند. در مواردی اندک و استثنایی به پژوهشگران اجازه داده شده است، در مدرسه‌های دولتی به تحقیقات میدانی مبادرت کنند.

سوابق و پرونده‌های مربوط به وصیت‌نامه‌ها و احکام وراثت که احتمالاً ارزشمندترین اسناد و مدارک تاریخی محسوب می‌شوند، رسماً در اختیار پژوهشگرانی که سوابق ناخوشایندی ندارند، قرار می‌گیرند، اما دسترسی به این مدارک نیز به علت دیوان سالاری حاکم بر اداره‌ی اوقاف با مشکلاتی همراه است. افزون بر این، بخوبی نگه‌داری اسناد و مدارک در محاکم و اداره‌ی اوقاف بر اساس اصول نوین، باگتایی و نگهداری نمی‌شوند و به همین علت، دسترسی و بهره‌گیری از آن‌ها کار دشواری است.

دسترسی به پرونده‌ها و احکام صادره در دادگاه‌های مدنی، بایگانی پلیس، ثبت املاک، ثبت اسناد و اداره‌ی آمار، به تنها نامسکن است، بلکه تلاش افراد برای دستیابی به این گونه اطلاعات ممکن است به دستگیری آنان منجر شود.

مهم‌ترین کتابخانه در فلسطین که آثار دست‌نوشته در اختیار دارد، کتابخانه‌ی خلدیه، در بخش قدیمی بیت‌المقدس است که چندین هزار جلد کتاب دست‌نویس را در محزون خود جای داده است. این کتابخانه پس از سال‌هایی توجیهی، در سال ۱۹۹۵ بازسازی و ساماندهی شد.

تأسیس دو مؤسسه‌ی جدید در بیت‌المقدس، بهبود وضعیت پژوهش‌های جامعه‌شناختی را برپا می‌دهند، یکی از این دو مراکز، «اداره‌ی آمار فلسطین» است که در ۱۹۹۲ در بیت‌المقدس تأسیس شد، و دیگری «مرکز مطالعات اقتصادی و اجتماعی کارپردی» است که به تحقیق درباره‌ی مسائل اقتصادی، کشاورزی، اشتغال حیوانات، کودکان کارگر و بیرون‌آمیزی آموزشی اختصاص دارد.

نظرسنجی

امروزه، نظرسنجی عمده‌ترین فعالیت پژوهشی در فلسطین را تشکیل می‌دهد. چون بیش‌تر نظرسنجی‌ها از سوی سازمان ملل متحد و هزینه‌های این سازمان و دیگر نهادها و مؤسسات بین‌المللی که برای ارزیابی‌های خود به منظور اطلاعات دقیق نیاز دارند، صورت می‌گیرد. نظرسنجی، در عین حال ارائه کمک به ملت فلسطین، برای صاحب‌نظران و دانشگاهیان فلسطین نیز که برای مطالعات خود به اطلاع دقیق و قابل اعتماد نیاز دارند، شیوه‌ی مناسبی محسوب می‌شود.

امروزه مطالعات فراوانی از سوی سازمان‌های غیردولتی درباره‌ی بهداشت، اشتغال، آموزش و پرورش و مسائل مربوط به

زنان صورت می‌گیرد. «مرکز پژوهش و مطالعات فلسطین» که در ۱۹۹۳ در نابلس تأسیس شده است، هر از گاهی برای ارزیابی دیدگاه‌های مردم فلسطین درباره‌ی گفت‌وگوهای صلح و پیامدهای آن، به نظرسنجی‌هایی مبتدرت می‌کند.

انجام نظرسنجی در اراضی اشغالی، به علت فقدان سنت تحقیق مستقل که در کشورهای غربی متداول است، با دشواری خاصی همراه است. حضور نظامی اشغالگران در مناطق اشغالی نیز به مشکلات و موانع موجود بر سر راه نظرسنجی مستقل و معتبر در مناطق اشغالی، دامن می‌زند. مشکلات و موانع موجود بر سر راه نظرسنجی و پژوهش‌های اجتماعی در فلسطین را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

* دسترسی محدود به آمار و اطلاعات رسمی که نمونه‌گیری را دشوار می‌سازد.

* پاسخ دهندگان به پرسش‌نامه‌ها، به علت سوءظن به هدف‌ها و مقاصد پژوهشگران و احتمال استفاده‌ی مقامات شهرداری و نیروهای امنیتی، از دادن پاسخ‌های صحیح خودداری می‌کنند.

* عارضه‌ی مظلوم‌نمایی نیز سبب می‌شود، پاسخ دهندگان به پرسش‌نامه‌ها، برای آن‌که میزان فجایی را که با آن روبه‌رو هستند به جهانیان نشان دهند، درباره‌ی میزان مصائب خود اغراق می‌کنند.

* عارضه‌ی رفاه‌طلبی نیز سبب شده است، فلسطینی‌ها به ویژه در نوار غزه که سازمان ملل متحد کمک‌های بشردوستانه‌ی گسترده‌ای را در اختیار آوارگان قرار می‌دهد، برای دستیابی به کمک‌های بیش‌تر، از دادن پاسخ صحیح به پرسش‌نامه‌ها پرهیز کنند.

* نظرسنجی‌های به عمل آمده درباره‌ی نیروی کار نیز که با هدف ارزیابی سیاست دولت درباره‌ی ساماندهی اعزام نیروی کار فلسطینی به منطقه اشغالی و ارزیابی پیامدهای بی‌کاری بر ناآرامی‌های اجتماعی صورت می‌گیرد، به علت بی‌توجهی به

مسائلی چون پیوندهای خانوادگی، الگوهای مصرف، و فعالیت‌های تفریحی و سرگرم‌کننده‌ی کارگران، از اعتبار چندانی برخوردار نیستند.

محدودیت‌های نظرسنجی‌های کمی در فلسطین

در این جا لازم می‌دانیم، به انتقادهای به عمل آمده از سوی مردم‌شناسان و دیگر دانشمندان علوم اجتماعی از کاستی‌های نظرسنجی‌های کمی که البته همه‌ی آن‌ها درباره‌ی جامعه‌ی فلسطین مصداق پیدا نمی‌کنند، اشاره کنیم. این انتقادهای عبارتند از:

* تک‌بعدی بودن: منتقدان بر این باورند که نظرسنجی‌های کمی تنها یک لحظه از واقعیت اجتماعی را، یعنی زمانی را که با مصاحبه‌شونده‌ی تمامین برقرار می‌شود و دیدگاه وی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، در خود منعکس می‌کنند و ژرفای لازم را ندارند.

* عینیت نداشتن: متنازع‌ناهی مصاحبه‌شونده و پاسخ دهنده به پرسش‌نامه ایجاب می‌کند که با هدف به دست آوردن کمک‌های بشردوستانه‌ی بیش‌تر، از بازگو کردن حقایق و واقعیت‌های مربوط به خود اجتناب کند و همین موضوع، به صحت و اعتبار نظرسنجی خدشه وارد می‌آورد.

* نسبی بودن میزان افشاگری‌ها: باید توجه داشت که نتایج همه‌ی ارزیابی‌ها و نظرسنجی‌ها درباره‌ی مسائل گوناگون، بازتاب واقعی و حقیقی از مسائل محسوب نمی‌شوند و همواره بیانگر نسبی حقایق و واقعیت‌ها هستند.

* مقطعی بودن: این مشکل خود را به گونه‌های متفاوت نشان می‌دهد. از آن‌جا که برای گردآوری اطلاعات در یک مقطع زمانی خاص، تلاش فوق‌العاده‌ای به عمل می‌آید، در نتیجه اطلاعات به دست آمده از عمق و ژرفای تاریخی که دستیابی به آن‌ها به مطالعات طولانی‌تری نیاز دارد، برخوردار نیستند.

با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش‌ها و

نظرسنجی های متناسب درباره ی وضعیت فلسطین باید بر اساس خانوار، مطالعه ی بلندمدت و موضوعات محدود صورت گیرد و با مصاحبه های فشرده و بهره گیری از اعداد و ارقام و آمارهای موجود همراه نبود. یکی از نمونه های پژوهش های جامع ر مولق درباره ی مسائل فلسطین، تحقیقی است که جامعه شناسی به نام حسین درباره ی قاچاق مواد مخدر در بیت المقدس، بهره گیری از اطلاعات و سوابق ارائه شده از سوی پلیس و دادگاه ها، مصاحبه با مصرف کنندگان و توزیع کنندگان مواد مخدر، و تأثیر سیاست های اشغالگران بر نحوه ی مبارزه با قاچاقچیان، صورت گرفته است (حسین، ۱۹۹۳).

پژوهش های سفارشی

پژوهشگرانی که بخواهند درباره ی مسائل مربوط به فلسطین به تحقیق بپردازند، به ویژه اگر مسائلی همچون بنیادگرایی اسلامی، جنبش های زنان، گفت و گوهای اعراب-یهودیان، ازدوگاه های آوارگان، توسعه ی اقتصادی و وضعیت بهداشتی را مورد بررسی قرار دهند، امکانات مالی فراوانی در اختیارشان قرار می گیرد. همین موضوع سبب می شود، انبوهی از دانشگاهیان و افراد نیمه فرهیخته، با امید دریافت حق الزحمه های هنگفت، به تحقیق درباره ی مسائل فلسطین روی آورند. پژوهش هایی که هزینه های آن را سازمان ملل متحد، بانک جهانی و دیگر نهادهای بین المللی و امداد رسان تأمین می کنند، از جمله طرح های مطالعاتی سودآوری هستند که پژوهشگران فلسطین و غیرفلسطین را به خود جلب می کنند. به علت سودآور بودن چنین طرح های مطالعاتی و مورد پژوهی ها، بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران خارجی به فلسطین مسافرت می کنند. جامعه شناسان فلسطینی نیز برای آن که سهمی از بودجه ی این گونه مطالعات را به خود اختصاص دهند، به همان شیوه ها و

سازوکارهایی که جامعه شناسان خارجی در مطالعات خود به کار می گیرند، روی آورده اند.

چالش های نوین: شکل گیری حکومت و نقشی که پژوهشگران در آینده بر عهده دارند

مهم ترین چالشی که جامعه شناسان فلسطینی در پژوهش های خود با آن روبه رو هستند، گذر از نگرش و رویکردهای مبارزاتی در مطالعات اجتماعی، و در پیش گرفتن رویکردی روشنفکرانه در میان مسائل سیاسی سرزمین فلسطین است. البته این گفته را نباید چنین تلقی کرد که جامعه شناسی در فلسطین نباید از خالصت انقلابی و مبارزه طلبی خود دست بکشد، و رام و دست امور شود. بلکه منظور این است که دست اندرکاران پژوهش های جامعه شناختی، مسائل و جنبه های پویایی درونی جامعه ی خود را، با نگرشی درونگرایانه و با دقت بیش تری موشکافی کنند و از علوم اجتماعی واکتشی که در دوران مقاومت به آن عادت کرده اند، به تدریج فاصله بگیرند.

یکی از جنبه های مهم مرتبط با مسائل فلسطین که پژوهشگران باید به آن توجه نشان دهند، شکل گیری حکومت فلسطین است. در راستای همین تحقیقات، پژوهشگران باید در زمینه ی نهادهای کنونی یا برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی، مسائل مرتبط با زندانی ها، جذب آوارگان، مراکز بازپروری، و تدوین برنامه های درسی مدرسه ها و دانشگاه ها، بررسی های تازه ای به عمل آورند. یکی دیگر از وظایف و مسؤولیت های جامعه شناسان فلسطین، حفظ استقلال و خودداری از تسلیم شدن در برابر خواست های تحمیلی مقامات دولتی در مطالعات جامعه شناختی است که در فلسطین بر عهده می گیرند. لازمی پژوهش های روشنفکرانه، استقلال

پژوهشگران و دوری جستن از حمایت ها و برآوردن سفارش های دولتی است. یکی دیگر از مشکلات و مسائلی که پژوهش های جامعه شناختی در فلسطین با آن روبه روست، نیاز به تدوین الگوی پژوهشی تازه است تا بتواند، به نیازهای تازه ای که در جامعه ی فلسطین مطرح می شوند، پاسخ دهد. در میان موضوعات و مسائلی که پژوهشگران فلسطینی تا کنون توجه چندانی به آن ها نشان نداده اند، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

● جامعه شناسی فرهنگ مردمی: در این زمینه، چگونگی شکل گیری هویت فلسطین از طریق: تداوم فرهنگ عامیانه، فعالیت رسانه ها، نقش موسیقی و تئاتر، و تأثیر مجامع و محافل عمومی در ایجاد حافظه ی تاریخی و شکل دهی هویت، می تواند مورد ارزیابی و بررسی های تازه قرار گیرد.

● شکل گیری طبقات و تشکیلات دولتی: باید در زمینه ی چگونگی شکل گیری طبقات اجتماعی و بخش دولتی، روابط روشنفکران داخل و خارج فلسطین، و نقش گروه های زیرزمینی پیشین در شکل گیری طبقات اجتماعی، مطالعات تازه ای صورت گیرد.

● در زمینه های جامعه شناسی آموزش و پرورش، شکل گیری شکل های شهری و مدنی، جامعه شناسی رسانه ها، و وضعیت قوانین و چگونگی اجرای آن ها در جامعه نیز، مطالعات گسترده ای باید توسط جامعه شناسان فلسطینی صورت گیرد.

زیر نویس:

1. The palestinian sociological Association

منابع:

این مقاله ترجمه ای است از:
Tamari, salim (1994). Problems of social science research in palestine: An overview, current sociology, Vol. 42, No.2.